با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام فارسی ۲ پایهٔ یازدهم
فصل دوم

عنوان فصل: ادبیات پایداری

از صفحه‌ی ۲۷ تا صفحه‌ی ۵۰ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل ادبیات پایداری آمده است.

مباحث فصل: در امواج سند، درس آزاد (ادبیات بومی ۱)، آغازگری تنها، تا غزل بعد...

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۳۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس سوم: در امواج سند ... ۴

۲ صفحه ۳۱ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس سوم: در امواج سند ... ۴

۳ صفحه ۳۲ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس سوم: در امواج سند ... ۵

۴ صفحه ۴۳ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی — درس پنجم: آغازگری تنها ... ۶

۵ صفحه ۴۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی — درس پنجم: آغازگری تنها ... ۷

۶ صفحه ۴۴ · کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری — درس پنجم: آغازگری تنها ... ۸

۷ صفحه ۴۹ · درک و دریافت — روان‌خوانی: تا غزل بعد ... ۹

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱ صفحه ۳۱ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱) در متن درس، واژه‌هایی را بیابید که معانی زیر را دارا باشند.

اسب (.....) نابودکننده (.....) عمیق (.....)

۲) جمله‌های زیر را با هم می‌خوانیم و به نقش‌های مختلف کلمهٔ «امروز» توجه می‌کنیم:

امروز را غنیمت دان. نقش: مفعول

امروز، روز شادی است. نقش: نهاد

گنجینهٔ عمر، امروز است. نقش: مسند

برنامهٔ امروز، تأیید شد. نقش: مضاف‌الیه

امروز، به کتابخانهٔ ملی می‌روم. نقش: قید

در همهٔ جمله‌های بالا به‌جز جملهٔ آخر، کلمهٔ «امروز» نقش‌های اسم را گرفته است. کلمهٔ «امروز» در جملهٔ آخر، هیچ‌یک از نقش‌های اسم را ندارد. منادا هم نیست. «امروز» در جملهٔ مذکور، «گروه قیدی» است. گروه قیدی، بخشی از جمله است که جمله یا جزئی از آن را مقید می‌کند یا توضیحی نظیر مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله می‌افزاید. قید می‌تواند از نظر «نوع»، اسم، صفت یا قید باشد.

در بیت‌های نهم و دهم، قیدها را مشخص کنید.

1. **اسب:** «باره» (در عبارت «باره می‌گردد»)؛ **عمیق:** «ژرف»؛ **نابودکننده:** «بنیان‌کن / ویرانگر» (واژهٔ دقیق در متن شعر: با توجه به مفهوم، صفتی است که دربارهٔ دشمن یا موج و سیل به کار رفته است).
2. این بند در کتاب خود پاسخ‌دادنی ندارد و فقط آموزش مفهوم «گروه قیدی» است؛ نتیجه: «امروز» در جمله‌هایی که نقش مفعول، نهاد، مسند و مضاف‌الیه می‌گیرد «اسم» است، اما در جملهٔ «امروز، به کتابخانهٔ ملی می‌روم» زمان انجام کار را می‌رساند و قید است.
3. در بیت نهم («چه اندیشید آن دم، کس ندانست / که مژگانش به خون دیده تر شد») قید: **«آن دم»** (قید زمان)؛ و در بیت دهم («چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد») قیدها: **«هم»** (قید تأکید/اشتراک) و **«کمی»** (قید مقدار).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ صفحه ۳۱ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱) «دریای خون»، در بیت‌های هشتم و دوازدهم، استعاره از چیست؟

۲) ابیات زیر را از نظر کاربرد «تشبیه» و «کنایه» بررسی کنید.

ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید

در آن سیمابگون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید

۳) به شعر «در امواج سند» دقت کنید؛ این شعر از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ تشکیل شده است. هر بند، شامل چهار مصراع است؛ به این نوع شعر «چهارپاره» یا «دوبیتی‌های پیوسته» می‌گویند؛ چهارپاره، بیشتر برای

طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود و رواج آن، از دورهٔ مشروطه بوده و تاکنون ادامه یافته است.
ملک‌الشعرای بهار، فریدون مشیری و فریدون توللی سروده‌هایی در این قالب دارند.
اکنون، نحوهٔ قرار گرفتن قافیه‌ها را در این چهارپارهٔ حمیدی شیرازی به کمک شکل نشان دهید.

1. «دریای خون» استعاره از **میدان نبرد و کارزار** است؛ جایی که از بس خون ریخته شده، مانند دریایی از خون شده است (استعارهٔ مصرّحه).

2. **تشبیه:** «امواج سیمابگون»: امواج رود سند به سیماب (جیوه) مانند شده‌اند؛ مشبه: امواج، مشبه‌به: سیماب، ادات: «گون»، وجه شبه: نقره‌ای‌بودن و لرزانی (تشبیه بلیغ اسنادی ـ اضافی نیست؛ تشبیه با ادات). **کنایه:** «اشک از رخسار فرو ریختن» کنایه از گریستن و اندوهگین‌شدن؛ «بنای زندگی را بر آب دیدن» کنایه از بی‌پایه، ناپایدار و بی‌ثبات‌دیدن زندگی (و نیز اشاره به فنا و نابودی)؛ «خیال تازه‌ای در خواب دیدن» کنایه از نقشه‌ای تازه در سر پروراندن.

3. در هر بند، مصراع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه‌اند و مصراع‌های اول و سوم قافیه ندارند (آزادند)؛ در نتیجه الگوی قافیه در هر بند چنین است:

مصراع اول ـــــــ (آزاد)
مصراع دوم ـــــــ الف
مصراع سوم ـــــــ (آزاد)
مصراع چهارم ـــــــ الف

یعنی نمودار **الف ب ج ب**؛ برای نمونه در بند مثال: «آب می‌دید» و «خواب می‌دید» هم‌قافیه‌اند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۳ صفحه ۳۲ **کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری**

۱) شاعر در بیت زیر، قصد بیان چه نکته‌ای را دارد؟
در آن تاریک شب می‌گشت پنهان / فروغ خرگه خوارزمشاهی

۲) حمیدی شیرازی در ابیات زیر، چه کسی را و با چه ویژگی‌هایی وصف می‌کند؟
چه اندیشید آن دم، کس ندانست / که مژگانش به خون دیده تر شد
چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد

۳) دربارهٔ ارتباط معنایی بیت زیر و متن درس توضیح دهید.
در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همت مردانهٔ ما (رهی معیری)

۴) شاعر در بیت زیر، چه صحنه‌ای از نبرد را وصف می‌کند؟
ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت / دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

۵) .....

1. شاعر می‌خواهد بگوید که در آن شب تاریکِ شکست و اندوه، شکوه، فروغ و جلالِ دستگاه حکومتی خوارزمشاهیان در تاریکی فرو رفته و پنهان شده بود؛ یعنی دوران درخشش آنان رو به پایان بود و شکستِ لشکر در برابر مغولان، نور و شکوه خرگاه خوارزمشاه را کم‌فروغ کرد.
2. شاعر **جلال‌الدین خوارزمشاه**، شاهزادهٔ دلیر و میهن‌دوست ایرانی را وصف می‌کند. ویژگی‌ها: دلیری و جنگاوری؛ مهربانی و دل‌نازکی (اشک در چشمانش جمع می‌شود و برای یاران و سرزمینش می‌گرید)؛ خشم و کینهٔ سوزان نسبت به دشمنان (همچون آتش در سپاه دشمن افتاد و حتی از آتش سوزنده‌تر بود)؛ و فرماندهی استوار و بی‌باک.
3. هر دو، از جان‌گذشتگی و فداکاری در راه میهن سخن می‌گویند: در درس، جلال‌الدین برای دفاع از وطن و آزادی سرزمینش با تمام توان می‌جنگد و جان خود و یارانش را در راه ایران نثار می‌کند؛ در بیت نیز شاعر می‌گوید ما در راه عشق به وطن از جان خود گذشته‌ایم و باید دید همت مردانهٔ ما در این راه چه می‌کند.
4. صحنهٔ پایداری و دلیری سپاه ایران را وصف می‌کند: هر چه از سپاه ایران کشته می‌شد (ریختن برگ از شاخه)، جنگاوران تازه‌نفس و دلاور دو برابر برمی‌خاستند و به جای آنان به میدان می‌آمدند (شکفتن و برگ کردن)؛ یعنی کشته‌شدن رزمندگان نه تنها از روحیه و نیروی سپاه نمی‌کاست، بلکه بر پایداری و جوشش آن می‌افزود.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴ صفحه ۴۳ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی

۱) هم‌آوای کلمهٔ «صفیر» را بنویسید و آن را در جمله‌ای به کار ببرید.

۲) چهار «ترکیب اضافی» که اهمیت املایی داشته باشند، از متن درس انتخاب کنید.

۳) همان‌طور که می‌دانید، هر گروه اسمی، یک «هسته» دارد که می‌تواند با یک یا چند وابستهٔ پیشین و پسین همراه شود. به انواع وابسته‌های پیشین توجه کنید: صفت پرسشی: کدام روز؛ صفت تعجبی: عجب روزی؛ صفت اشاره: آن روز؛ صفت مبهم: هر روز؛ صفت شمارشی اصلی: یک روز؛ صفت شمارشی ترتیبی (با پسوند ـُمین): دومین روز؛ صفت عالی: بهترین روز.

اینک با یک نوع دیگر از وابسته‌های پیشین آشنا می‌شویم: شاخص: شاخص‌ها لقب‌ها و عنوان‌هایی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی، در کنار اسم قرار می‌گیرند. مانند: «امام، علامه، استاد، آقا، حاجی، خاله، کدخدا، سرلشکر، مهندس و ...».

توجه: شاخص‌ها کلماتی هستند که غالباً، بی‌فاصله، پیش از هسته می‌آیند؛ این کلمات در جای دیگر می‌توانند هستهٔ گروه اسمی، مضاف‌الیه و یا ... قرار بگیرند؛ در این‌صورت، شاخص محسوب نمی‌شوند. مثال: ـ استاد

معین، فرهنگ فارسی را در شش جلد تدوین کرده است. (شاخص) ـ ایشان، استاد زبان و ادبیات فارسی بودند. (هستهٔ گروه اسمی) ـ کتاب استاد، دربردارندهٔ مطالب مفیدی است. (مضاف‌الیه)

اکنون واژه‌های زیر را یک بار به عنوان «شاخص» و بار دیگر به عنوان «هستهٔ» گروه اسمی در جمله به کار ببرید.

سرهنگ: سیّد:

1. هم‌آوای «صفیر» (بانگ، سوت): **«سفیر»** (نمایندهٔ یک کشور در کشور دیگر). «صفیر گلوله‌ها در دشت پیچید.» ـ «سفیر ایران در اجلاس سازمان ملل سخنرانی کرد.»
2. ۱) «توازن قوا» (توازن قوای دو کشور) ۲) «صفیر گلوله‌ها» (نهیب و صفیر گلوله‌های توپ) ۳) «عرصهٔ روز محشر» ۴) «حریم زندگی» (حریم زندگی و هستی هموطنانشان). (نمونه‌های دیگر: «دارالسلطنهٔ تبریز»، «تحت‌الحمایگی کشور»، «حصار شهر».)
3. این بند آموزشی است و پاسخی جدا ندارد؛ نتیجه می‌گیریم که وابسته‌های پیشین عبارت‌اند از صفت‌های پرسشی، تعجبی، اشاره، مبهم، شمارشی (اصلی و ترتیبی)، عالی و «شاخص».
4. **سرهنگ:** شاخص ← «سرهنگ رضایی فرماندهی گردان را بر عهده گرفت.» (سرهنگ پیش از هسته آمده است.) ـ هسته ← «آن سرهنگ شجاع، پیشاپیش سپاه حرکت کرد.» (سرهنگ هستهٔ گروه اسمی است و «آن» و «شجاع» وابسته‌اند.) **سیّد:** شاخص ← «سیّد جمال‌الدین اسدآبادی به بیداری مسلمانان کوشید.» ـ هسته ← «آن سیّد بزرگوار به ما کمک کرد.»

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۵ صفحه ۴۴ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی

۱) متن درس را از نظر نوع ادبی بررسی کنید.

۲) برای هریک از آرایه‌های زیر، نمونه‌ای از بند هفتم درس (سپیدهٔ فردای گنجه ...) انتخاب کنید و بنویسید.

آرایهٔ ادبی: تشبیه ـ کنایه ـ تشخیص

۳) در عبارت زیر، بهره‌گیری از کدام آرایه‌های ادبی بر زیبایی سخن افزوده است؟

در ایران آن روز، دو دربار بود! دربار بزم و دربار رزم؛ بزم پدر، رزم پسر!

1. متن درس نثری ادبی و روایی است و از نظر نوع ادبی، **داستان‌گونه و تاریخی (زندگی‌نامه‌ای)** و در حوزهٔ **ادبیات پایداری و دفاع از میهن** قرار می‌گیرد. نویسنده با زبانی شاعرانه و آمیخته با آرایه، صحنه‌های واقعی تاریخ را (زمان عباس میرزا و جنگ ایران و روس) روایت کرده است؛ راوی دانای کل (سوم‌شخص) است.

2. **تشبیه:** «سپاه روس مثل مور و ملخ در پهنهٔ شهر پراکنده شدند» (سپاه روس به مور و ملخ مانند شده است)؛ «اجساد ... مثل برگ‌های خزان‌زده، زمین را پوشانده بود». **کنایه:** «خود را به صف آتش دشمن زدن»: کنایه از بی‌باکانه حمله‌کردن و جان بر کف نهادن؛ «سینه‌ها را سپر گلوله‌های آتشین ساختن»: کنایه از ایستادگی و فداکاری؛ «واپسین رمق»: آخرین توان. **تشخیص (جان‌بخشی):** «گنجه با واپسین رمق‌هایش، زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشید» (شهر مانند انسان نفس می‌کشد)؛ «بادهای اواخر زمستان، ناله‌های واماندگان را ... می‌برد».

3. **تضاد:** «بزم» و «رزم»؛ **جناس ناقص:** «بزم» و «رزم» (اختلاف در حرف آغاز)؛ **تکرار:** واژهٔ «دربار»؛ **موازنه (هم‌وزنی) و سجع:** «بزم پدر، رزم پسر» که دو جمله در وزن و ساختار برابرند؛ **تناسب:** پدر و پسر؛ همچنین **استعاره/ایهام تناسب** در «دو دربار» (دو شیوهٔ حکومت و زندگی).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

---

۶ صفحه ۴۴ — کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری

۱) چه عاملی عباس میرزا را برای تحقق آرمان‌های ملی‌اش، استوارتر و امیدوارتر می‌کرد؟

۲) در عبارت زیر، مقصود نویسنده از قسمت‌های مشخص‌شده چیست؟

«مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.»

۳) با توجه به بیت زیر، شخصیت «عباس میرزا» را تحلیل نمایید.

چون شیر به خود سپه‌شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش (نظامی)

۴) .....

---

1. دیدن عشق به میهن و دفاع از حریم زندگی و هستی هموطنان در سربازان و فرماندهان؛ آنان پیش از آنکه حکم و سفارش حاکمان و خان‌ها آنان را گرد آورده باشد، تنها با عشق به وطن به میدان آمده بودند. مشاهدهٔ صحنه‌های ناب و توفنده‌ی این فرزندان میهن، عباس میرزا را به وجد می‌آورد و آرمان‌های ملی‌اش را استوار می‌کرد.

2. «خانه‌های تاریک و بی‌دریچه»: استعاره/کنایه از زندگی در جهل، عقب‌ماندگی، سنت‌های کهنه و افکار پوسیده و بی‌خبری از دانش و تمدن نو؛ «پنجره‌های باز و نورگیر»: دانش و فناوری نو، آگاهی و روشنگری، نوسازی و گشودگی به جهان؛ «گریزان بودن»: مقاومت و ترس مردم از پذیرش تغییر و اندیشهٔ تازه، چون به جهل و عادت‌های گذشته خو کرده‌اند. نویسنده می‌گوید جنگ با افکار پوسیده دشوارتر از جنگ با دشمن بیرونی است.

3. بیت نظامی می‌گوید مانند شیر به نیروی خود دشمن‌شکن باش و فرزند خصلت‌های خودت باش، نه ارث پدر. عباس میرزا چنین است: شاهزاده‌ای جوان، شجاع و بلندهمت که پیشاپیش سپاه می‌رود؛ میهن‌دوست و آرمان‌خواه؛ خودباور؛ اهل مشورت و خردورزی (قائم‌مقام را مرشد خود می‌داند)؛ آگاه به عقب‌ماندگی ایران نسبت به اروپا و خواهان نوسازی، آموزش دانش‌های نو و ایجاد ارتش و صنعت جدید؛ و پیش‌رو در پایداری برابر متجاوزان (با تکیه بر توان و ویژگی‌های شخصی خود، نه به پشتوانهٔ پدر یا موقعیت).

۷ صفحه ۴۹ **درک و دریافت**

۱) متن «آغازگری تنها» و «تا غزل بعد» را از نظر زاویهٔ دید و شخصیت‌های اصلی مقایسه نمایید.
۲) در این متن، از چه راهکارهایی در رویارویی با دشواری‌های اسارت بهره گرفته شده است؟

1. **زاویهٔ دید:** «آغازگری تنها» با زاویهٔ دید **سوم‌شخص (دانای کل)** روایت شده و نویسنده از بیرون به رویدادها و اندیشهٔ شخصیت‌ها می‌نگرد؛ «تا غزل بعد» با زاویهٔ دید **اول‌شخص (من‌راوی)** و به صورت خاطره است و راوی خود شاهد و شرکت‌کنندهٔ ماجراست. **شخصیت‌های اصلی:** در «آغازگری تنها»، عباس میرزا (نایب‌السلطنه) به همراه میرزا عیسی قائم‌مقام، جوادخان گنجه‌ای و فتحعلی‌شاه، شخصیت‌هایی تاریخی و شناخته‌شده‌اند؛ در «تا غزل بعد» شخصیت اصلی خود راوی (اسیر آزاده و معلم) است و شخصیت‌های دیگر هم‌بندان عادی او (حاج آقا کرامت شیرازی، عباس درمان، شایق، حسن قانع و ...) هستند. هر دو متن دربارهٔ پایداری و ایستادگی‌اند، یکی در میدان جنگ و دیگری در اسارت.

2. راهکارها: ۱) آموزش خواندن و نوشتن به هم‌بندان کم‌سواد با برنامه‌ریزی، ساختن کتاب و کارنامه از مقوا و برگزاری مراسم؛ ۲) آموزش قرآن و نهج‌البلاغه و برخی درس‌های دیگر (حساب، علوم) و آموزش زبان خارجی توسط دیگر اسرا؛ ۳) دعاخواندن و برگزاری مراسم اعیاد مذهبی و مناسبت‌ها با وجود ممنوعیت؛ ۴) تشکیل گروه سرود، مقاله‌نویسی، دکلمه و شعرخوانی (مانند خواندن شعر «تا غزل بعد»)؛ ۵) نمایش و خیمه‌شب‌بازی با امکانات اندک؛ ۶) برگزاری مسابقات ورزشی (والیبال، فوتبال)؛ ۷) تشویق افراد منزوی و ناامید به مشارکت در برنامه‌ها و دل‌گرمی‌دادن و روحیه‌دادن به آنان؛ ۸) کار جمعی و ارادهٔ همگانی برای تحمل سختی‌ها و پرکردن وقت و حفظ امید.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir